

پیشگفتار

حمد و سپاس خدای بزرگ را که توفیق زندگی در دورانی را به ما عطا فرمود که در آن نعمت برپایی حکومت دینی در سایه انقلاب بزرگ و شکوهمند اسلامی بر ما ارزانی شده است. انقلابی که آرزوی آزادگان و حق‌طلبان تاریخ را محقق ساخت و در مقطعی از زمان که قدرت و سیطره فرهنگ و تمدن غیرالهی غرب در ظاهر مجالی برای حضور و ظهور قدرت اسلام باقی نگذاشته بود، بار دیگر پرچم توحید و عدالت و آزادی را در یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین مناطق جغرافیایی جهان برافراشت و در موج تاریخ، با سیری معجزه‌گون به سرعت از مرزهای اولیه خود فراتر رفت و با بیداری جبهه جهانی مستضعفان علیه نظم غیرالهی و ظالمانه بین‌الملل، تداوم و استمرار یافت و نوید نظمی نوین را در جهان معاصر سر داد.

اکنون و پس از بیش از چهار دهه تجربه عملی در مدیریت و راهبری عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و غیره تجربه‌ای گران‌بها پیش روی جامعه انقلابی ایران و همه مبارزان و حق‌طلبان عالم است. تجربه‌ای که بازخوانی مکرر آن و درس‌آموزی از فرازونشیب‌ها و قوت‌ها و ضعف‌هایش، توشه‌ای برای تداوم و استمرار حرکت انقلابی است که جوهری توقف‌ناپذیر و دائمی دارد:

انقلاب تمام نمی‌شود؛ انقلاب استمرار دارد؛ انقلاب ادامه دارد؛ انقلاب متوقف نمی‌شود. یک صیرورتی وجود دارد. صیرورت یعنی «شدن»؛ شدن دائمی؛ تحول دائمی. در مسیر انقلاب یک صیرورت دائمی‌ای وجود دارد که این صیرورت دائمی، به تدریج آن آرزوهای بزرگ را، آن ارزش‌های والا را، آن آرمان‌ها را در جامعه تحقق می‌بخشد.^۱

اما در باب اثر حاضر که تلاشی است برای واکاوی پیشینه و آینده انقلاب اسلامی با محوریت «بیانیه گام دوم»، ذکر نکاتی چند لازم و ضروری است:

۱. بیانیه گام دوم انقلاب که در چهلمین سال پیروزی انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای خطاب به مردم ایران صادر کردند، منظومه‌ای است از مبانی، اصول، جهت‌گیری‌ها و سیاست‌های کلان انقلاب و تحلیلی از نقاط قوت و ضعف، دستاوردها، آرمان‌ها، توانمندی‌ها و مخاطراتی که انقلاب اسلامی در پیشینه‌اش از خلال آن‌ها سر برآورده است و در آینده‌اش

۱. آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۳/۷.

باید بدان‌ها توجه کند. این بیانیه به‌رغم اینکه برای مخاطب عمومی و خطاب به عامه مردم صادر شد، منشور و منظومه‌ای عمیق و جامع پیرامون انقلاب اسلامی است که عمق و جامعیت آن مستلزم توجه عالمانه جامعه علمی و نخبگانی به آن است. در اثر حاضر با درک این ضرورت، در تلاش هستیم قدمی کوچک در این مسیر برداریم.

۲. قالب ارائه مطالب در این اثر دوجلدی، مجموعه‌ای از مقالات است و موضوع شانزده مقاله‌ای که (در شانزده فصل) در این کتاب به نگارش درآمده، مقتبس از بیانیه گام دوم یا ناظر به گام دوم انقلاب اسلامی است. تعداد مقالات و تنوع موضوعی آن‌ها می‌توانست بیش از این باشد، لکن بنابر اقتضائات و محدودیت‌های مختلف چاپ یک اثر، تلاش شد با تحلیل متن بیانیه گام دوم، موضوعات مهم و کلیدی مرتبط انتخاب و در قالب مقاله بدان‌ها پرداخته شود. اگرچه چند موضوع منتخب، به دلایلی مانند انصراف برخی نویسندگان در میانه یا انتهای امر، از دایره اثر نهایی خارج شد.

۳. موضوعات مقالات دو جلد پیش رو سه دسته‌اند. دسته‌ای از مقالات ناظر به موضوعاتی هستند که نقش تمهید و مقدمه برای ورود به سایر موضوعات را دارند یا ناظر به کل بیانیه گام دوم یا حتی فراتر، ناظر به مفهوم «گام دوم انقلاب» به نگارش درآمده‌اند. موضوعاتی مانند «چیستی و هستی گام دوم انقلاب اسلامی»، «نقش رهبری در حرکت گام به گام انقلاب» و «تمدن نوین اسلامی» از این دست هستند.

دسته دوم شامل موضوعاتی است که از بخش‌های ابتدایی و میانی بیانیه اقتباس شده‌اند. موضوعاتی که در بخش‌های مختلف بیانیه بدان‌ها پرداخته شده است و در هر بخش، زاویه‌ای از بحث را رهبر انقلاب بررسی کرده‌اند؛ از جمله: «آرمان‌های انقلاب اسلامی»، «مدیریت جهادی»، «نقش و جایگاه جوانان» و «مقاومت اسلامی». موضوع «نقش و جایگاه زنان» به‌رغم آنکه در متن بیانیه گام دوم به صراحت مورد اشاره قرار نگرفته است، لکن به دلیل اینکه مخاطب اصلی بیانیه «مردم» هستند و به لحاظ کمی، حداقل نیمی از مردم جامعه را زنان تشکیل می‌دهند و البته به لحاظ کیفی و به تصریح رهبران انقلاب، در مواردی نقش راهبردی و بنیادین زنان در حدوث و بقای انقلاب اسلامی کلیدی‌تر از مردان بوده است، این موضوع نیز در بستر بیانیه گام دوم و با محوریت اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای به منظومه مقالات اضافه شد.

در نهایت دسته سوم ناظر به توصیه‌های هفت‌گانه رهبر انقلاب در انتهای بیانیه گام دوم به نگارش درآمده است با مقالاتی با این عناوین «علم و پژوهش»، «معنویت و اخلاق»،

«اقتصاد»، «عدالت و مبارزه با فساد»، «استقلال و آزادی»، «عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن» (در دو مقاله) و «سبک زندگی».

۴. جلد اول حاوی هشت مقاله ذیل دسته‌های اول و دوم است و جلد دوم کتاب نیز

حاوی هشت مقاله دیگر ذیل دسته سوم.

۵. در چینش و ترکیب موضوعات این مهم مدنظر بود که در عین استقلال نسبی مقالات از یکدیگر، محتوای همه آنها با یکدیگر هم‌نشینی، تلائم و هم‌افزایی داشته باشد، به نحوی که کل اثر را بتوان بر مبنای یک منطق نظری واحد و دارای یک رشته موضوعی به هم پیوسته در نظر گرفت. بدین منظور، از ابتدای آغاز پروژه، هم‌فکری و گفتگوی اساتید نگارنده مورد تأکید بود تا اذهان نویسندگان هر چه بیشتر به یکدیگر نزدیک شود. این هم‌فکری و تبادل آراء مستمر میان نگارندگان به تدارک یک چهارچوب محتوایی برای نگارش مقالات انجامید. در این چهارچوب محتوایی که از خلال تحلیل و تعمق در متن بیانیه گام دوم به دست آمد، یک مفهوم کانونی برای کل مقالات تعیین شد تا رشته پیوند همه آنها با یکدیگر باشد. این مفهوم، «تمدن نوین اسلامی» است که در بیانیه گام دوم، غایت انقلاب اسلامی معرفی شده است و می‌توان آن را به مثابه دال مرکزی و روح حاکم بر متن بیانیه برشمرد. از همین رو تلاش شده است تا در تک‌تک مقالات، نسبت موضوع مورد بررسی در آن مقاله با این مفهوم کانونی روشن شود.

۶. بیانیه گام دوم انقلاب، به رغم اینکه حاوی مطالب و موضوعات عمیق و متنوعی است که هر یک از آنها در محیط‌های علمی، ذیل رشته‌های تخصصی‌ای چون اقتصاد، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، تاریخ و مردم‌شناسی به بحث و بررسی گذارده می‌شود، لکن برای عامه مردم ایران، بلکه همه دلدادگان انقلاب اسلامی در سراسر جهان به نگارش در آمده است. به عبارتی متن بیانیه، در عین عمق، جامعیت و دقت علمی، در فرم زبانی و بیانی عرف عام به نگارش در آمده تا همه طبقات اجتماعی بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند و مخاطب آن قرار گیرند. جمع این دو ویژگی و بیان مطالب عمیق و متنوع علمی به زبان عرف عام، البته امر دشواری است. با وجود این تلاش شد از همین الگو برای نگارش اثر حاضر گرت‌برداری شود. توضیح آنکه اثر حاضر که حاوی مقالاتی با موضوعات تخصصی در رشته‌های علمی مختلف است، برای عموم مخاطبان دانشگاهی و حوزوی به نگارش در آمده است، به نحوی که مخاطبان این اثر ضمن نداشتن تخصص در همه رشته‌های متنوع دانشگاهی و حوزوی مرتبط

با مقالات، بتوانند با قلم و محتوای همه مقالات ارتباط گیرند و از آن‌ها بهره‌مند شوند. تحقق این امر دشواری‌ها و پیچیدگی‌هایی داشت که تلاش شد با هم‌فکری و هم‌افزایی نویسندگان به منصفه ظهور رسد؛ بنابراین، تلاش نویسندگان محترم و گروه علمی این اثر بر آن بوده تا همه مقالات، در عین بهره‌مندی از مطالب عمیق رشته‌های تخصصی مختلف، برای عامه مخاطبان فرهیخته دانشگاهی و حوزوی - و البته نه برای عاقله مردم - قابل بهره‌برداری باشد.

۷. بنای طراحان این اثر بر این بوده که برای شرح، تبیین و بررسی علمی موضوعات و مضامین مندرج در بیانیه گام دوم، ظرفیت‌های تخصصی رشته‌های علمی گوناگون را به وسیله اساتید و متخصصان همان رشته و البته برای عموم دانشگاهیان و حوزویان به کار گیرند؛ بنابراین اصل بر این بوده است که مقالات از سنخ مقالات مروری-ترویجی فراتر رود و با رعایت موازین متن نگاری علمی، به هیچ عنوان در سطح یک اثر غیردانشگاهی و غیرنخبگانی واقع نشود. در همین راستا، در عین حالی که اصل بر آن بوده که شیوه پردازش و تبیین مطالب بر مدار اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای حرکت کند، لکن به منظور صورت‌بندی تخصصی موضوع، از محتوای نظریات علمی و آراء سایر متفکران اعم از اندیشمندان وطنی و غیروطنی نیز به قدر طاقت و بضاعت یک مقاله استفاده شده است. البته این سبک ورود علمی به موضوعات و رفت و برگشت بین اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای با سایر نظریات علمی در همه مقالات به یک اندازه محقق نشده است و برخی مقالات به اقتضای موضوع خود یا به صلاحدید نویسنده محترم، کمتر این رویه را دنبال کرده‌اند، لکن این الگوی پردازش علمی در اغلب مقالات دنبال شده است.

۸. به منظور هماهنگی حداکثری مقالات در فرم و محتوا و یکپارچه‌سازی مقالات در هیئتی منتظم، علاوه بر تأکید بر هم‌اندیشی و ایده‌پردازی گروهی اساتید، از ابتدا برای این پروژه دبیر علمی تعیین شد. هماهنگی علمی جمع اساتید، چینش و ترکیب موضوعی مقالات، نسبت‌یابی محتوایی مقالات با یکدیگر و در نهایت ویراستاری علمی کل اثر بر عهده دبیر علمی اثر بوده است. همچنین به منظور اتقان و استحکام علمی مقالات، هر مقاله در دو سطح (از منظر جایگاه و نسبت مقاله با کلیت اثر و نیز از منظر تخصصی و محتوایی) داوری و در رفت و برگشت با اساتید گرامی اصلاحات لازم انجام شده است.

۹. نویسندگان فاضل مقالات که از اساتید دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمی کشور هستند، بر آن بوده‌اند که بخشی از رسالت نهاد علم در قبال انقلاب اسلامی را به انجام رسانند. امید می‌رود

اثر حاضر در راستای تحقق این رسالت اثربخش واقع شود و ذیل تفضلات حضرت حق برکت یابد و مورد توجه روح پرفروش امام راحل و شهیدان سرفراز انقلاب اسلامی قرار گیرد.

در پایان لازم است از همه اساتید و دست‌اندرکاران اثر حاضر کمال تشکر و امتنان خود را اعلام داریم، به‌ویژه حجت الاسلام والمسلمین حمید پارسانیا- عضو هیئت علمی دانشگاه تهران- که با مقدمه خویش بر وزانت و عمق اثر افزودند و نیز نگارندگان گرامی (به ترتیب حروف الفبا): آقای دکتر میثم آقداغی (عضو هیئت علمی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی)، آقای دکتر محمود بابایی (عضو هیئت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان)، آقای دکتر رسول بخشی دستجردی (عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان)، آقای دکتر مجتبی جاویدی (عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز)، آقای دکتر محمد جمشیدی (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)، آقای دکتر فرزاد جهان‌بین (عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد)، حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی ذوعلم (رئیس اندیشگاه گام دوم انقلاب اسلامی)، آقای دکتر محمدحسین رجبی دوانی (عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع))، حجت الاسلام والمسلمین دکتر حمید شهریاری (عضو هیئت علمی سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی)، خانم دکتر سهیلا صادقی (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)، آقای دکتر محمدرضا قائمی‌نیک (عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی)، آقای دکتر نعمت‌الله کرم‌الهی (عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم (ع))، آقای دکتر میثم لطیفی (عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع))، آقای دکتر شریف لک‌زایی (عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) و حجت الاسلام والمسلمین سید یدالله یزدان‌پناه (استاد حوزه علمیه قم). همچنین مراتب قدردانی و شکرگزاری خود را از همه مدیران و دست‌اندرکاران سازمان «سمت» که با حمایت همه‌جانبه خویش، امکان انجام این طرح علمی را فراهم آوردند، عرضه می‌داریم.

و من الله التوفیق و علیه التکلان

دکتر محسن لبخندق

دکتر حمیدرضا خادمی

مقدمه

حمید پارسانیا*

۱. انقلاب اسلامی و انقلاب مشروطه

انقلاب اسلامی پس از انقلاب مشروطه، دومین انقلاب سیاسی ایران در طی قرن بیستم بود و این دو انقلاب، گرچه هر کدام یک نظام سیاسی را ساقط کردند، اما صرفاً یک انقلاب سیاسی نبودند. به بیان دیگر، این دو انقلاب هر دو برای حل چالش عمیق‌تر فرهنگی و تاریخی، جهانی و بلکه تمدنی جامعه ایران اسلامی شکل گرفتند.

چالشی که جامعه اسلامی ایران در طی این سده با آن مواجه بود، برخلاف چالش‌های تاریخی آن، به راستی چالشی هویتی، فرهنگی و درعین حال جهانی بود که بر اثر حضور یک رقیب فرهنگی و تمدنی، یعنی بر اثر نفوذ و حضور استعماری و غلبه سیاسی و سلطه فرهنگی جهان غرب شکل گرفت. انقلاب مشروطه با آنکه یک نظام سیاسی را که ریشه در مناسبات ایلاتی جامعه ایران داشت، ساقط کرد، اما نتوانست به حل چالش‌های فرهنگی و تمدنی معاصر خود پردازد، بلکه به غلبه یک قدرت سیاسی جدیدی منجر شد که بیش از پیش در ساختار سیاسی قدرت‌های جهانی قرار می‌گرفت. انقلاب مشروطه در حقیقت برای حل مسائلی شکل گرفته بود که در اثر حضور جهانی استعمار در قرن نوزدهم به وجود آمده بود؛ هرچند انقلابیون مشروطه کمتر به این امر خودآگاهی داشتند و بیشتر بر این گمان بودند که صرفاً یک قدرت بومی داخلی را نشان گرفته‌اند. انقلاب اسلامی ایران خیزش مجددی بود که با استفاده از تجربه تاریخی مشروطه شکل گرفت.

۲. انقلاب اسلامی و انقلاب فرانسه

انقلاب اسلامی از نظر برخورداری از یک هویت فرهنگی و تاریخی، بی‌شبهت با انقلاب فرانسه نیست، با این تفاوت که عقبه فرهنگی و تاریخی انقلاب فرانسه بیشتر به سده‌های پس از رنسانس بازمی‌گردد و عقبه فرهنگی و تاریخی انقلاب اسلامی ایران ریشه در هویت اسلامی

* دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، parsania.h@ut.ac.ir

آن دارد. تفاوت دیگر این است که انقلاب فرانسه به‌رغم هویت فرهنگی و تمدنی خود و با آنکه پیامدهای تاریخی و سیاسی جهانی داشت، با رقیب و مانعی جهانی مواجه نبود. انقلاب فرانسه به مدت چهار دهه توانست رقبای سیاسی اروپایی خود را تحت تأثیر قرار داده، صورتی قاره‌ای یابد و به‌دنبال آن نیز در طی قرن هجدهم و نوزدهم، با رویکردی استعماری، ابعاد و پیامدهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهانی خود را به‌دنبال بیاورد.

انقلاب فرانسه در مراحل تکوین استقرار و توسعه خود با مانع و رقیب جهانی مواجه نبود و با آنکه نقطه عطف سیاسی آن در سال ۱۷۸۹ رخ داد، استقرار و تسلط آن بر موانع داخلی، منطقه‌ای و اروپایی، بیش از سه دهه طول کشید. این در حالی است که انقلاب اسلامی ایران از آغاز در تقابل با قدرت سیاسی‌ای شکل گرفت که در چهارچوب نظم جهانی و در حاشیه قدرت‌های کانونی این نظم مستقر شده بود.

۳. مواجهه جهانی انقلاب اسلامی ایران

انقلاب اسلامی ایران برای حل چالش‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و بلکه هویتی پدید آمده بر اثر نفوذ و حضور رقیب جهانی به‌وجود آمد. این انقلاب با استفاده از عقبه فرهنگی و تاریخی خود توانست در چهارچوب مرزهای جغرافیایی خود، مانع سیاسی موجود - نظام سلطنتی - را که در حاشیه اقتدار سیاسی جهان غرب شکل گرفته بود، در هم فروریزد. قدرت سیاسی قبل از انقلاب قدرتی نبود که خارج از سلطه جهانی غرب و تنها در چهارچوب مناسبات و روابط اجتماعی داخل ایران شکل گرفته باشد. در حقیقت انقلاب اسلامی ایران با رجوع به هویت اسلامی خود، بخشی از اقتدار جهانی فرهنگ رقیب را هدف گرفته بود و اقتدار سیاسی جهانی که در ابتدا در غفلت از هویت مستقل انقلاب اسلامی بود، شکل‌گیری قدرت نوینی را که خارج از مختصات جهانی بلوک شرق و غرب باشد، گمان نمی‌برد؛ اما به زودی متوجه استقلال قدرت سیاسی انقلاب ایران شد و همین امر، صف‌بندی سیاسی نوینی را در برابر انقلاب به‌وجود آورد.

انقلاب فرانسه پس از شکل‌گیری با تنش‌های سیاسی، چالش‌ها و کودتاها متوالی فراوانی مواجه شد و لکن اغلب چالش‌ها که به نظامات سیاسی متعددی منجر شد، ریشه در تحركات داخلی و یا مقاومت‌های منطقه‌ای داشت و لکن انقلاب اسلامی ایران در نخستین سال‌های پس از انقلاب و در دهه اول خود با یک چالش جهانی مواجه شد که به‌صورت یک جنگ تمام‌عیار و به مدت هشت سال ادامه یافت. در این جنگ، صدام حسین از حمایت و

پشتیبانی بلوک شرق و غرب و به‌دنبال آن از حمایت قدرت‌های سیاسی و منطقه‌ای استفاده می‌کرد.

۴. پیوند انقلاب اسلامی با جهان اسلام

انقلاب اسلامی ایران در چهار دههٔ نخست از مسیر ظرفیت سیاسی‌ای که ایجاد کرده بود، با رقیب جهانی خود در ابعاد اقتصادی، فرهنگی، علمی و غیره به رقابت پرداخت. این انقلاب با رویکرد فرهنگی، از ظرفیت‌های فرهنگی و تمدنی جهان اسلام برای دوام و بقای خود بهره می‌برد؛ چه اینکه به‌دلیل هویت اسلامی خود به نیازهای فرهنگی امت اسلامی پاسخ می‌گفت. وقوع انقلاب با هویت اسلامی، حضور جهانی اسلام را نه به‌عنوان بخشی از حاشیهٔ کشورهای غربی، بلکه به‌منزلهٔ کانون و متن یک حرکت تاریخی و تمدنی طلب می‌کرد و این امر البته خواست و تمنای فروختهٔ امت اسلامی در شرایط جهانی موجود بود.

۵. حیات مجدد امت اسلام و پایان جهانی شدن فرهنگ غرب

پیوند انقلاب اسلامی ایران با جهان اسلام نویدبخش پایان جهانی شدن فرهنگ غرب بود که غلبهٔ خود را بر دیگر فرهنگ‌ها مصداق پایان تاریخ می‌دانست. هزارهٔ سوم به‌دلیل حضور انقلاب اسلامی ایران با طلیعهٔ گفتگوی فرهنگ‌ها آغاز شد و این پدیده‌ای بود که هانتینگتون از آن با عنوان جنگ تمدن‌ها یاد کرد. تمدن غالب غرب، به اقتضای ذات و هویت دنیوی و استکباری خود به گونه‌ای است که متن آن وابسته به حاشیه است، چندان که استقلال حاشیه، اصل آن را مخدوش می‌سازد. به همین دلیل احیای هویت تمدن‌هایی که در حاشیه قرار گرفته‌اند، نه تنها مورد استقبال آن قرار نمی‌گیرد، بلکه همان‌گونه که هانتینگتون اظهار کرده، به‌معنای جنگ تمدن‌هاست.

۶. انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی در دههٔ نخست

شکل‌گیری مقاومت و بقای انقلاب اسلامی ایران از یک‌سو در حکم نمونهٔ موفق حیات، فعالیت و فعلیت مجدد امت اسلامی است و از سوی دیگر، حساسیت، مقابله و ستیز قدرت جهانی دول غربی را و به‌دنبال آن، چهار دهه درگیری و ستیز مستمر با انقلاب اسلامی را در ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و غیره پدید آورد. جههٔ نخست همان‌گونه که

بیان شد، جبهه مستقیم نظامی بود که تا پایان دهه اول انقلاب ادامه یافت. ثمره این جنگ، حذف و نابودی رقیب جهانی نبود، بلکه جنگ به زمین گیری آن در بیرون از مرزهای جغرافیایی ایران منجر شد.

۷. تثبیت انقلاب و پیامدهای جنگ نخست

انقلاب اسلامی در مدت بیش از هشت سال دفاع از مرزهای انقلاب در چهارچوب مرزهای ایران، موقعیت خود را در کانون تکوین آن تثبیت کرد. جبهه عربی که در امتداد هماهنگی بلوک غرب و شرق در تقابل با انقلاب وحدت یافته بود، با تثبیت انقلاب به سرعت فروپاشید و لشکر مجهز و درعین حال شکست خورده عراق، قدرت شکل گرفته در جبهه مزبور را که اینک فلسفه وجودی و غرض و غایت تکوین خود را از دست داده بود، به گونه ای کور به سوی کشورهای منطقه گسیل ساخت. اتحاد بلوک شرق و غرب با فروپاشی بلوک شرق، به سوی نظم نوین جهانی به پیش رفت و حرکت های کور و ددمنشانه قدرت بی هویت صدام در چهارچوب نظم جاری، در جهت بازخوانی و بازسازی و حقیقت سیاسی منطقه حذف شد. امریکا و دول اروپایی ضمن آنکه از گسترش انقلاب اسلامی در بیرون از مرزهای سیاسی ایران در کشورهای اسلامی نگران بودند، تلاش کردند با حضور مستقیم در کشورهای منطقه، حلقه نظامی پیرامون آن را حفظ کنند. انقلاب اسلامی به رغم همه این امور، راه خود را در کشورهای اسلامی گشود و نسیم مقاومت با عنوان «بیداری اسلامی» در دهه سوم در کشورهای اسلامی وزیدن گرفت.

۸. دهه چهارم و جنگ دوم

حیات مجدد اسلامی در سطح منطقه با عنوان بیداری اسلامی آغاز شد و به دنبال آن آرایش نظامی نیروهای حاضر در منطقه به سوی یک فعالیت جنگی تمام عیار برای درهم ریختن جغرافیای سیاسی موجود فعال شد و انقلاب اسلامی مفاهیم و ارزش های دینی را در سطح زیست و زندگی جمعی منطقه فعال کرد و این امر سبب شد عملکرد سیاسی بلوک غرب برای مقابله با بیداری اسلامی به ناگزیر با پوشش مفاهیم و شعائر دینی و اسلامی انجام شود. به بیان دیگر حیات مجدد اسلامی موجب شد تا بلوک غرب برای مقابله با آن از مفاهیم و شعائر دینی امت اسلامی استفاده کند و این پدیده به نوبه خود موجب شد تا عملکرد نظامی بلوک غرب در زیر پوشش

داعش شکل گیرد. جهان غرب در مواجهه سیاسی با اسلام ناب محمدی، میراث جریانی را به خدمت گرفت که جهان اسلام بیش از یک هزاره آن را دفن کرده بود. جنگی که با محمل سیاسی دول غربی به منطقه تحمیل شد، انرژی جوشان و خروشان امت اسلامی را، هزینه نبردی کرد که دست کم به گمان آنان، حدود سه دهه اولاً حرکت اسلامی را به خود مشغول می‌داشت و ثانیاً کانون این حرکت، یعنی جامعه ایران را به آتش خود گرفتار می‌ساخت.

جنگ نوینی که به این ترتیب در چهارمین دهه یعنی در دهه نود، در تقابل با انقلاب اسلامی ایران به قصد تغییر جغرافیای سیاسی منطقه و تکوین منطقه جدید شکل گرفت، تمایزات مهمی با جنگی دارد که در دهه اول یعنی در دهه شصت بر انقلاب اسلامی ایران تحمیل شد. اهم این تمایزات به ابعاد و نیز منطقه وقوع آن مربوط است.

۹. تمایزات جنگ اول و دوم

جنگ اولی که در دهه اول انقلاب یعنی در دهه شصت رخ داد، در تمام مدت هشت سال به صورت یک جنگ تمام‌عیار نظامی ادامه یافت و لکن جنگ دوم که جنگ دهه چهارم انقلاب یعنی دهه نود است، از ابعاد گسترده نظامی، اقتصادی و فرهنگی برخوردار بود و به‌رغم آنکه جهان غرب گمان می‌برد جنگی است که دست کم در بُعد نظامی سه دهه طول خواهد کشید، در مدت کوتاهی با شکست نظامی داعش در بُعد نظامی خاتمه یافت و لکن بُعد اقتصادی آن در قالب تحریم اقتصادی ادامه یافت.

جنگ نظامی نخست، در چهارچوب مرزها و در خاک ایران رخ داد. این جنگ با حمله صدام به مناطق مختلف ایران شروع شد و تا پایان، بخش‌هایی از خاک ایران را در اشغال نظامی خود داشت؛ شهرهای ایران را پیاپی مورد حمله موشکی قرار می‌داد و همه مردم را مستقیماً درگیر خود کرد؛ اما جنگ دوم در بُعد نظامی کاملاً در بیرون مرزهای ایران قرار داشت و جنگی بود که آن را بیشتر از نوع جنگ‌های نیابتی می‌خوانند. البته جنگ دوم، در بُعد اقتصادی کاملاً جامعه ایران را درگیر خود کرد.

جنگ اول صبغه نظامی داشت، جنگی که آشکار و علن بود و لکن در جنگ دوم، بعد نظامی آن برای جامعه ایران کمتر احساس می‌شد، چرا که همان‌گونه که بیان شد، در خارج از مرزهای ایران رخ داد و بُعد اقتصادی آن با آنکه درون ایران را هدف قرار داده بود و با آنکه از ساخت‌وسازهای قواعد اقتصادی جهانی اثر می‌پذیرفت، کمتر احساس می‌شد. رویارویی ستادهای فرماندهی این جنگ در گفتگوهای بین‌المللی واقع می‌شد و این مواجهه از ناحیه

حاضران در صحنه، از سنخ گفتگو‌هایی اعلان می‌شد که باید با رویکرد همدلانه و مشارکت‌جویانه و به تعبیر دیگر در ساخت‌وساز با کدخدا حل‌وفصل شود و تنها در روزهایی که آثار مخرب این جنگ آشکار شد از این عبارت استفاده گردید که واقعاً در جنگ اقتصادی هستیم؛ بنابراین، جنگ اول با انقلاب اسلامی جنگی رویاروی و آشکار بود و جنگ دوم به‌رغم گستردگی خود و علی‌رغم اینکه انقلاب اسلامی را نشانه گرفته بود، چهره‌ای نسبتاً پنهان داشت.

جهان غرب با فرماندهی امریکا که گمان می‌برد حرکت نظامی داعش با بدل‌سازی کاذب خود، جهت‌گیری تمدنی اسلامی را با درگیری‌های داخلی آن خنثی می‌سازد و عملکرد جبهه اقتصادی، مانع از این می‌شود که انقلاب اسلامی چهلمین سالگرد حیات خود را جشن بگیرد، در پایان دهه چهارم، با چهره‌ای از واقعیت تاریخی حرکت اسلامی مواجه شد که تفاوت‌های مهمی با واقعیت چهل سال پیش از آن دارد.

۱۰. پایان دهه چهارم و گام دوم انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی در این مقطع، در کانون تکوین خود یعنی ایران، دوام و ثبات چهل‌ساله خود را به‌عنوان گام نخستین انقلاب بازخوانی می‌کند و اینک خود را در آغاز دومین گام خویش می‌بیند. افق‌های فراسوی گام دوم به ایده امت اسلامی در کشورهای اسلامی منطقه و بلکه ابعاد جهانی آن مربوط است. محور مقاومت، آزادی و رهایی کانون تحقیر جهان اسلام در سده اخیر یعنی فلسطین اشغالی را هدف قرار داده است و فلسطین که به‌منزله نماد و مرکز فروپاشی امت اسلامی، در تصرف صهیونیسم بین‌الملل قرار گرفت، اینک یکی از عوامل مهم وحدت‌بخش این جهان به‌شمار می‌آید.

انقلاب اسلامی در گام دوم خود با شهادت سردار سلیمانی، واقعیت فرامرزی، منطقه‌ای و جهانی خود را تثبیت کرده است و علاوه بر این، خود به‌عنوان یکی از مبادی مختصات فرهنگی، سیاسی و تاریخی جهان امروز شناخته می‌شود. در تعامل با دیگر کانون‌های قدرت، رفتار و کنش جهت‌دار، تعیین‌کننده و درعین حال، مستقل خود را به نمایش گذاشته است و اینک این واقعیت تاریخی می‌رود تا حضور خود را در سطح ساختارهای جهانی قدرت، سیاست و فرهنگ رسمیت بخشد.